



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسؤول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۸۵۷۵ – نامبار: ۸۸۶۵۴۳۹۲
نشانی اینترنتی: www.sharghnewspaper.ir
سازمان آگهی‌ها: ۰۱۹۹-۲۴۲۰
امور مشترکین: ۴۴-۸۸۴۴۱۳۸
توزیع: شرکت نوآوران جهان رسانه ایرسا – تلفن: ۸۸۸۲۳۳۹۰
چاپ کلریز: جاده قدیم کرج، فتح ۱۷، پلاک ۲۹ تلفن ۶۶۸۲۳۳۴۶-۷



حاشیه سیاست

شکایت ناطق‌نوری از سایت حامی‌مشایی

علی‌اکبر ناطق‌نوری از یکی از سایت‌های حامی اسفندباد رحیم‌مشایی به خاطر انتشار گزارشی با عنوان «بهشت شاد در باغ ناطق‌نوری» شکایت کرده است. به گزارش مشرق، یکی از موارد شکایت ناطق‌نوری انتشار عکسی از یک باغ وسیع و زیباست که این سایت حامی مشایی آن را متعلق به خانواده ناطق‌نوری دانسته و از آن به عنوان بهشت شساد ناطق‌نوری یاد کرده است. در بخشی از گزارش سایت حامی مشایی درباره این باغ چنین آمده است: «فعالیت‌های احتمالی ناطق‌نوری پس از کناره‌گیری از جلسات جامعه روحانیت مبارز رگشایی شد. شاید ناطق‌نوری پس از کناره‌گیری خود از جامعه روحانیت این امکان را داشته باشد که به باغ برادرزاده خود در هشتگرد و احتمالاً باغ‌های دیگر برادرزاده‌ها و خواهرزاده‌های خود سر بزند. گفته می‌شود باغ آقا مرتضی(ا محل زندگی گونه‌های نادر جانوری از جمله گوزن آفریقایی، قرقاول، تمساح، سوسمار ، قو و طاووس کمیاب و پرندگان نادر زینتی است که ففلسازی‌های مخصوصی جهت نگهداری این جانوران در جای‌جای باغ صورت پذیرفته است. همچنین آقا مرتضی که علاقه ویژه‌ای به اسبهای قیمتی دارد و دسترسی در واردات و پرورش اسبهای زیبا دارد، تعداد قابل توجهی از این اسبها را در این باغ نگهداری می‌کند.نوع معماری و حیات وحش وصفناپذیر این باغ، ناخودآگاه ذهن هر بیننده‌ای را به یاد بهشت می‌اندازد که به نظر می‌رسد خانواده ناطق‌نوری خیلی زود و قبل از رفتن به آن دنیا وارد شدن به بهشت، قصد کرده‌اند تا در این دنیا گوشه‌هایی را برای خود دست و پا کنند تا شاید مزایای طعم‌های بهشت را قبل از وارد شدن احتمالی به بهشت برین چشیده باشند.» بر اساس این گزارش، ناطق‌نوری در شکایت خود عنوان کرده است عکس این سایت از حضور وی در یک باغ، متعلق به یکی از سفرهای وی به کشور مراکش است که در آنجا با خبرنگار خبرگزاری مهر مصاحبه کرده است و به هیچ عنوان با توصیف‌های این سایت مطابقت ندارد.

پیشگویی احمدی‌نژاد از دولت آینده

بنابر گفته مشاور ارشد محمود احمدی‌نژاد (احمدی‌نژاد معتقد است دولت آینده در ایران از دولت فعلی فعال تر خواهد بود.» به گزارش فارس مجتبی ثمره‌هاشمی گفت: «احمدی‌نژاد ایده‌ای دارد که قابل دفاع است و وی اعلام می‌کند دولت آینده در ایران از دولت فعلی فعال‌تر خواهد بود چون سطح اندیشه، ایمان و وفاداری مردم به انقلاب اسلامی بالا می‌رود و وقتی مطالبات مردم مبنی بر پاکی، ایمان و ایستادگی مقابل ظلم و جور برپا باشد، خانواده به مردم کمک خواهد کرد پس دولت بعدی برتر و بهتر خواهد بود.»

کشف دو بمب در زودپز

دو بمب جاسازی شده در یکی از محلات پرتدد سندنج کشف شد. به گزارش مشرق هر دو بمب در دیگ زودپز جاسازی شده بود و یکشنه‌شب نیمه شب گذشته کشف شده است.

یک کیلو گوشت هدیه کمیته امداد به نیازمندان
به خانواده‌های تحت حمایت کمیته امداد یک کیلو گوشت اهدا شد. به گزارش ایسنا معاون توسعه مشارکت‌های مردمی کمیته امداد امام‌عباسی(ره) اعلام کرد: «در روز عید سعید قربان، به هر یک از خانواده‌های تحت حمایت کمیته امداد امام(ره)، یک کیلوگرم گوشت قرمز تازه اهدا شد»

ثبت کراوات اسلامی

کراوات اسلامی به ثبت رسید. به گزارش بولتن این کراوات که ابداع یک ایده برادر ایرانی است که با الهام از شمشیر ذوالفقار امام علی (ع) طراحی و به حدیث قدسی «لافتی الاعلی لاسیف الا ذوالفقار» مزین است، در اداره ثبت مالکیت‌های صنعتی ایران به صورت اظهارنامه ثبت شده است. بنا بر این گزارش این طرح به تایید برخی از آیات عظام هم رسیده است.

هدایای احمدی‌نژاد به علی‌اف

محمود احمدی‌نژاد به همتای آذربایجانی‌اش سه هدیه داد. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر امور رسانه‌های ریاست‌جمهوری، احمدی‌نژاد در پایان مذاکرات دوجانبه با الهام علی‌اف سه دستاورد (دستگاه‌شوالی‌سنجی نوزادان) تلوسکوپ و فناوری پیشرفته تصفیه آب) را به وی اهدا کرد.

چهار میلیون تومان بدهید، صاحب خانه شوید

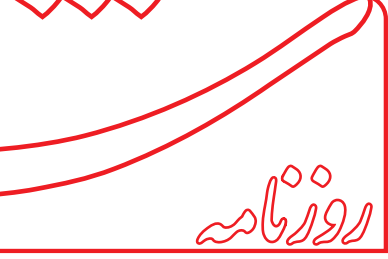
معاون امور عمرانی استانداری تهران گفت: چهار میلیون تومان پرداخت کنید، صاحب خانه شوید. محمدرضا محمودی در گفت‌وگو با باشگاه خبرنگاران گفت: «در طرح مسکن مهر در استان تهران هر فرد با پرداخت حداکثر چهار میلیون تومان و اقساط ماهیانه ۱۳۵ هزار تومان صاحب خانه خواهد شد»

کیهان؛ استخوان در گلو صبر کنید

کیهان در سرمقاله خود بار دیگر از «هولگرایان منتقد» انتقاد کرد. این روزنامه نوشت: متأسفانه بسیار اتفاق می‌افتد که انتقادهای برخاسته از اصولگرایی، اصولگرانه گفته نمی‌شود و به‌جای علاج و الفت، اسباب رنج و فاصله‌های بیشتر می‌شود. اگر از صاحبان «منصب» یا «قود» و «وجهات» و «شهرت» توقع این است که به‌ویژه در فضای فتنه، مطلقاً از موضع تهمت و ابهام برهیزر کنند و صراحت و شفافیت پیشه سازند، از دیگر اصولگرایان و منتقدان هم به رسم اصولگرایی باید توقع داشت که حلم و سعه صدر و «صبر» ولو خار در چشم و استخوان در گلو- و «حساب» (بای خدا نوشتن) را به عنوان «قتضا» و «فضیلت» اصولگرایی و «شکر نعمت بصیرت» (ایمان بیشتر) پیشه و شعار خود سازند.

کومور هم ایران را تهدید کرد

بنابر گزارش یک سایت نزدیک به دولت معاون رئیس‌جمهور کومور گفته است اگر در انتخابات بعدی پیروز شود روابط کشورش با ایران را قطع می‌کند. به گزارش مشرق ایدی نظام معاون رئیس‌جمهور کومور در جمع هوادانش اعلام کرده است اگر رئیس‌جمهور شود، روابط مجمع‌الجزایر کومور را با ایران قطع خواهد کرد.

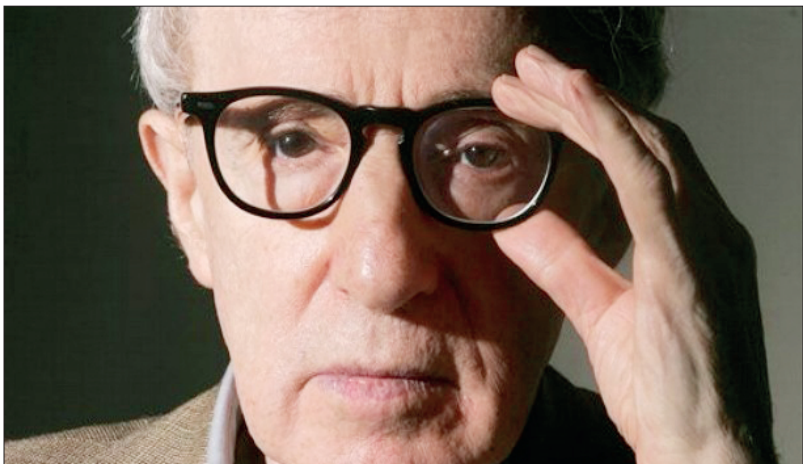


سال پنجم ■ شماره پیاپی ۱۱۱۵ ■ شماره ۱۹۱ دوره جدید ■ پنجشنبه ۲۷ آبان ۱۳۸۹ ■ ۱۱ ذیحجه ۱۴۳۱ ■ ۱۸ نوامبر ۲۰۱۰

آخر

وودی آلن از فیلم‌های محبوبش می‌گوید

خودم، فلینی، کوروساوا و دیگران



کرد و شاید همین شجاعت‌های ژان رنوار است که او را تبدیل به کارگردان محبوب من کرد. البته قاعده بازی را هم نمی‌توان نادیده گرفت.

■ **سریر خون:** مکبث به روایت آکیرو کوروساوا برای خودش حکایتی دارد؛ اقتباسی که حتی یک جمله از نمایشنامه شکسپیر هم در آن دیده نمی‌شود. سریر خون بارها و بارها غم‌انگیزتر است، فضای فودالی ژاپن زیر این قصه خوب نشست. کوروساوا ۱۲ سال بعد از جنگ جهانی دوم این فیلم را ساخت.

■ **توت‌فرنگی‌های وحشی و شش صحنه از یک ازدواج:**

برگمان را بسیاری با این فیلم می‌شناسند. برای من در درجه اول «توت‌فرنگی‌های وحشی» بود و بعد «مهر فتم» و «شعبده‌باز». همه این فیلم‌ها بیرون آمدند و به ما گفتند برگمان فیلمسازی جادویی است. هیچ‌گاه چیزی مانند آن را ندیده بودیم، اینها مخلوطی از روشنفکری هنری و تکنیک فیلمسازی بودند. تکنیک او شورانگیز و احساس‌برانگیز بود و این تکنیک در توت‌فرنگی‌های وحشی به اوج می‌رسد. من و برگمان با هم در سوئیت هتل او در نیویورک شام خوردیم

پیشنهاد دوم: نمایش «نوشتن در تاریکی»

نوشته‌ای در تاریکی

فرزان سجودی



بدیهی است که این یادداشت نوشته‌ای انتقادی یا تحلیلی درباره «نوشتن در تاریکی» نیست. این نوشته‌ای است در تاریکی درباره «نوشتن در تاریکی»، نوشته‌ای احساسی در ستایش تئاتر جامعه‌گرایی در ستایش تئاتری که حساس است اما احساسی نیست، که نگران است، اضطراب دارد، دل‌مشغول است، اعتراضی است، اما شعاری نیست، بیناست، با دقت نگاه می‌کند، آگاه است، باشعور است، سرش را زیر بر نمی‌کند و نگرانی‌هایش را پنهان نمی‌کند، شجاع است و انتقادهایش را شجاعانه بیان می‌کند اما متعصب نیست، منصف است. تئاتر جامعه‌گرا انسانی است، اصلاً خودش مثل یک انسان است، اندوهگین می‌شود، شاد می‌شود، هیجان‌زده می‌شود، هیجان خود را مهار می‌کند، می‌بیند، خوب می‌بیند نه سراسری و گذرا، و از کنار آنچه بر مردمان

آغاز فروش بلیت کنسرت «افسانه شو»

فروش بلیت کنسرت «افسانه شو» به آهنگسازی تهمورس پورناظری از فردا آغاز می‌شود. فروش بلیت‌های این کنسرت از صبح شش‌شنبه ۲۵ آبان در سایت اینترنتی www.sigozar.com آغاز می‌شود. در این کنسرت شجاعت حسین‌خان استاد بزرگ سیتار هندی به همراه تهمورس و سه‌راب پورناظری به اجرای برنامه می‌پردازند. اجرای کنسرت «افسانه شو» که بخشی از پروژه بزرگ موسیقی از تاج‌محل تا تخت‌جمشید است در دو بخش کنوازی و همناوژی بر اساس ساخته‌های تهمورس پورناظری اجرا خواهد شد. این کنسرت چهار و پنج آذرماه، ساعت ۲۱ در تالار وحدت برگزار خواهد شد.

تهران : آذان ظهر ۰۴:۴۹ آذان مغرب ۰۵:۱۷ آذان صبح فردا ۰۵:۰۴ طلوع آفتاب ۰۴:۴۶



کرکدن‌های جهان

متحد شوید

سیدعلی میرفتاح
mirfatah@yahoo.com

مقدمه. بی‌مقدمه. نمی‌خواهم فرصت خوانندگان عزیز را تنگ کنم تا آنها هم به من همانی را بگویند که – دور از جان‌شان- قلندران خفته در گور می‌گویند. من کمتر حرف می‌زنم تا فرصت برای رفیقان کرکدنی فراهم شود.

اگر بر خلاف دوره‌های قبل، به جای برادر و خواهر، همه را رفیق بزرگوار خطاب می‌کنم، از آن جهت است که دارم این طمع خام را در سر می‌پرورانم که رفیقان کرکدنی را گسرد هم آورم و ایشان را با هم متحد کنم. رفیق از رفق است و یک معنای رفق، وفق و مداراست. ما داریم تمرین مدارا می‌کنیم، نه با غیر که با خودمان. اشتباهه کرد خواجه شیراز که گمان کرد راز آسایش گیتی مدارا با دشمن و مروت با دوستان است. ما به تجربه دریافتیم اتفاقا انسانیت و مردانگی به این است که با دوستان مدارا کنیم و با دشمنان مروت. نامردی در هر شکل و اندازه‌اش بد است، اما با دوستان بدتر، نه با دشمنان، شرم‌آورتر و قبیح‌تر و زشت‌تر، بلکه زشت‌ترین... گفت اما لا شکر، ما که دشمن نداریم و هر چه هست دوست است. با دوستان‌مان مدارا می‌کنیم، با دوستان جانی و یکدل و کرکدنی‌مان بیشتر مدارا می‌کنیم. آنقدر مدارا می‌کنیم بلکه روزی جهان را رسم و آیین، کرکدنی شود. کرکدن‌های جهان، با هم متحد شوید.

رفیق بزرگوار، سرکار خانم مریم دانش، از لطف و مرحمت شما سپاسگزارم. مرفوق فرموده‌اید: «... حالا باید حق بدیم به میزبهای روزنامه که گاهی دست توی مطلب می‌برند یا حق مطلب را حذف می‌کنند. حالا که هم نمی‌توانم از مطلب‌تان را چاپ کنم. ماشاءالله لب پری دارید و مثل ما چندان روزگار بر وفق مردانان نیست، حق با شماست، باید در هر شرایطی، لافلا تا حد امکان ماند و شانه از بار مسؤولیت خالی نکرد. شما نگفته‌اید، اما منظور آن این است که لنگه‌کفش در بیابان غنیمت است و واقعا هم من با این عقیده موافقم. چو عفا را بلند است آشنایه! قناعت کن به تخم‌مرغ خانه. حالا که همه چیزهای خوب و خیلی خوب، دور از دسترس می‌نماند، شرق و کرکدن‌نامه حکم کنبیز مطبخی دارند و هر چه هستند بهتر از هیچ هستند. ما قدیم‌ها که جوان بودیم و پرتوقع، می‌گفتیم «یا همه، یا هیچ». اما استاد روزگار به ما درس‌های حکیمانه‌ای داد که فهمیدیم باید به حداقل‌ها دل بست که اگر اوضاع بر وفق مراد نیست، می‌تواند بیشتر از اینها بر وفق مراد نباشد. گفت «بد است، بدتر نشود». پس شما هم به توصیه خود عمل کنید و طوری بنویسید که بشود چاپش کرد که چاپ شدن، بهتر از چاپ نشدن است. در مورد سوال، بلکه سوال‌هایی که فرمودید، ضمن اذعان به این نکته که عنوان مسدود را از نوشته‌تان وام گرفته‌ام، می‌گویم جواب را هم در مقدمه، با اشاره و رمز بیان کرده‌ام. تنها ره راهی، رفق و مدارا و مدارا و مدارا و مروت است.

رفیق بزرگوار، سیدمهدی حسینی، از اینکه چی کرده‌اید و یارو کرده‌اید و فرستاده‌اید که اقدامش را چی‌چی کنند، معلوم است که اوضاع‌تان حسایی حسایی یارو است... برادر، اینقدر صعبانی نباش. بی‌خیال، می‌ترسم توی این سن جوانی، قلبت را یارو کنی بروی چی‌چی کارت‌ها. خدا آب سرد را برای همین مواقع ساخته است. سب لیوان آب سرد یارو کن و همه‌چیز را به چی‌چی، احاله بده. بزب ن طبل بی‌عاری، که آن هم عالمی دارد. رفیق من، سنگ صبور غمهام، با رفیقات، باشد بهتر از چی‌چی و یارو است.

رفیق ارجمند، امین ع. پندار، دانشجوی مکانیک جامدات، واقعاً که این مکانیک چیز سخت غیرقابل نفوذی است، بدمبم مگر توی کله آدم می‌رود. همین خواهرزاده گرامی‌ام، امیر جدیدی که زیر دست عباس کوثری کار عکس شرق را انجام می‌دهد ۱۵ سال، بلکه بیشتر است که دارد مکانیک می‌خواند و هنوز نتوانسته ۲ ترم ۱ را مقاومت مصالح ۱ را پاس کند. دو سه سال دیگر دوام بیاورد، از دانشگاه کرج حکم بازنشستگی می‌گیرد. از بس که درس‌هاش سنگین و توی کله‌اش نمی‌رود که استناداتش را هم که نگو و تپرس، در تیغ از ۱۵-، که روی ۹/۷۵ بگذارند... با این حال معلوم است که حساب کار تو از امیر جدیدی جداست. از لطف و مرحمتی که به حقیر

در شرق و باقی مطبوعات داری، متشکرم. به خدا هر جای دنیا بود که مجسمه از شما خوانندگان رفیق و همدل می‌ساختند و دم در ورودی روزنامه‌ها نصب می‌کردند، ممنون و متشکر. اما در مورد تنهایی که به قول شاعر «لا خو کن به تنهایی، که از تن‌ها بلا خیزد/ سعادت آن کسی دارد که از تن‌ها ببره‌یزد». فقط و فقط مراقب باش که تنهایی‌ات آمیخته با افسردگی و بی‌حالی نشود که اتفاقاً رشته‌های فنی مستعد افسردگی و خودکشی هستند. تنهایی‌ات را با کتاب و شعر و رمان و فلسفه، اگر دوست داری، پیوند بزب. منتها قبیلش کمر این جامدات لغتی را به خاک بمال که به سرنوشت خواهرزاده من دچار نشوی. رفیق بزرگوار، زینب یاقوتی، راستش را بخوای من این روزها فرموده جناب استاد مهرجویی را از زبان چاووشی زمزمه می‌کنم که «... اما تو که دوه دوش باش/ طاقت پیار و مرد باش». واقعاً اگر معیار مردی به همین طاقت‌ها و تحمل مصائب و سختی‌ها بود که چقدر مرد کم داشتیم... بیاخود قدیمی‌ها نگفته‌اند که «مرد آن است که در فکانش دهر/ سنگ زیرین آسیا باشد». با این همه اما مردهای امروز خیلی نازک‌رانجی شدند و خیلی زود پنهان برمی‌خورد و با همه که و همه چیز طلبکارند و همه‌شخ خدا و قور و شمشان باغی می‌دایند. نه مروتی، نه مدارایی، بحث زن و مردی نیست. این یک درس انسانی است، بلکه درس کرکدنی که باید رفق و مدارا و تحمل را یاد بگیریم و به کار بندیم. واقعاً و حقیقتاً باید که با دل خونین لب خندان بیاوریم و... خودتان بهتر از من می‌دایید. به استاد بزرگوار و رفیق قدیمی ما سلام بلند و بالا برسانید.

می‌گذرد با بی‌تفاوتی و شلختگی گذر نمی‌کند، تئاتر جامعه‌گرا در مقابل تئاتر محافظه‌کار، خنثی و بی‌اث‌ر شکل و بازی‌های شکلی قرار دارد اما در همان حال خلاقانه بهترین بهره را از شکل و بازی‌های شکلی می‌گیرد، نه به عنوان هدفی در خود بلکه به عنوان ترفندی در خدمت تعهد اجتماعی. محمد یعقوبی با «نوشتن در تاریکی» برگ درخشان دیگری به پیشینه تئاتر جامعه‌گرای ایران افزود که در همان حال نو، بدیع و بی‌بدیل باقی ماند و از شیوه‌های بسیار خلاقانه و هنرمندانه در ارائه تئاتری بهره گرفت. باید از محمد یعقوبی و گروهش برای روشن نگه داشتن چراغ تئاتر جامعه‌گرا و برای ارائه خلاقانه، هنرمندانه و شجاعانه‌اش قدردانی کرد. فقط آنان که در تاریکی نوشته‌اند، می‌دانند نوشتن در تاریکی یعنی چو.

پای پیاده: دوندۀها

خنک آن قمار بازی که بباخت هر چه بدوش

سروش صحت



برادرم گفت: «بعد پارک بریم کله‌پاچه بزنیم؟» مرتضی گفت: «من که جا ندارم، صبح قبل از اینکه بپام در خیال‌ر رو باز کردم دیدم گوشت کوبیده درپوز طهر داره چشمک می‌زنه. پریدم نون سنگ تازہ گرفت، سبزی خوردن هم داشتیم، جاتون خالی به غازی تیل زدم به بدن.» فرخ گفت: «هیچی هم اندازه گوشت کوبیده مونده حال نمیده». برادرم گفت: «اختیار دارید، به روز جمعه تابستون قبل از ناهار بگیری تو به زیرزمین خنک بی‌مکس بجوای، بعد سر طهر صдат بزبن گنک بیا که چلوکیاب با سماق و زرده تخم‌مرغ آماده است.» فرخ گفت: «دوغ و ریحون هم باشه.» مرتضی گفت: «از اون بهتر اینه که بعد از اینکه از حمام داغ اومدی بیرون یکی بیاد به مشت‌ومال اساسی بهت بده.» برادرم گفت: «تو جاده شمال باشی، به بارون

مشق شب: کارگاه آموزشی پیشگیری از اعتیاد برای معلمان

فیلم زندگی کارگردان محبوب هیتلر به سینما می‌آید

شیرزاد عبداللهی



آماری از تعداد دانش‌آموزان معتاد وجود ندارد و اعتیاد دانش‌آموزان همچنان در فضایی مه‌آلود با اشاراتی مبهم از سوی برخی مسؤولان آموزش و پرورش مطرح می‌شود. عده‌ای هم طرح مساله را باعث فروریختن قبح اعتیاد و باز شدن چشم و گوش دانش‌آموزان می‌دانند. اما همین که آموزش و پرورش موضوع اعتیاد دانش‌آموزان را به عنوان یک آسیب اجتماعی پذیرفته، گامی به جلو محسوب می‌شود. قدم بعدی این است که آموزش و پرورش به محافل دانشگاهی و ان‌جی‌اوه‌ای فعال در حوزه مبارزه با مواد مخدر اجازه انجام تحقیق علمی در این زمینه را بدهد تا بتوان برای پیشگیری و درمان اقدام کرد. در حالی که سن اعتیاد در سال‌های اخیر کاهش یافته و گرایش مصرف‌کنندگان جوان به سوی مواد شیمیایی میل کرده است، برخی از مقامات ارشد آموزش و پرورش هنوز گفت‌وگوی علنی و شفاف در مورد این آسیب اجتماعی را به صمطت نمی‌دانند. این خبر که کارگاه‌های آموزش «پیشگیری از اعتیاد» برای معلمان و مربیان برگزار می‌شود خبر خوشی است. تاکنون در شهر تهران ۲۱۰ نفر از مربیان و معلمان از این کارگاه‌ها آموزش دیده‌اند. این کارگاه‌ها

و این‌برای من لذت بزرگی بود. من عصبی بودم و حقیقتاً نمی‌خواستم بروم. اما او آن چیزی نبود که شما احتمالاً انتظارش را دارید؛ قوی و خارق‌العاده، تیره، که نابغه متفکر، او یک آدم معمولی بود. با من درباره جدول فروش فیلم‌ها و زن‌ها و سازش با استودیوها حرف زد. بعدها تلفنی درباره جزیره کوچکش (فارو؛ جایی که برگمان ۴۰ سال آخر عمرش را در آنجا زندگی می‌کرد) هم صحبت می‌کرد. محرمانه از رویاهای غیرمعمولش حرف می‌زد مثلاً اینکه روی صحنه ظاهر شود و نداند که دوربین را کجا کار بگذارد. او کاملاً مضطرب بود. در این مواقع باید بلند می‌شد و به خود می‌گفت یک کارگردان با تجربه و قابل احترام است و دقیقاً می‌داند دوربین را کجا باید بگذارد. اما این گستاخی و اضطراب بعد از خلق این همه شاهکار همچنان با او بود.

■ **هشت و نیم:** هشت و نیم را فلینی برای دل خودش ساخته؛ فیلمی که به هیچ چیز پایبند نیست. من فیلم‌های آبرومندی ساخته‌م، البته نه به اندازه هشت و نیم، نه مهر هفتم، نه چهارصد ضربه یا لاوتنر، که فیلم‌هایی هستند که نظم سینما را به بالاترین هنر بدل کرده‌اند. اگر معلم بودم به خودم نمره B می‌دادم.

■ **شُب‌های کابیریا:** باز هم فلینی و البته شُب‌های کابیریا برای من فیلم دیگری است. شُب‌های کابیریا را روزی متفاوت ندیده بودیم، اینها مخلوطی از روشنفکری هنری و تکنیک فیلمسازی بودند. تکنیک او شورانگیز و احساس‌برانگیز بود و این تکنیک در توت‌فرنگی‌های وحشی به اوج می‌رسد. من و برگمان با هم در سوئیت هتل او در نیویورک شام خوردیم

■ **آواز در باران:** جین کلی و استنلی دائن هنوز هم می‌توانند حالم را خوب کنند.